

حفاظت از معنا

نمونه موردی: حفاظت از معنای آب

مآنده کلانتری

دانشجوی دکتری مرمت بناها و بافت‌های تاریخی . دانشگاه هنر اصفهان، Ma.kalantari91@yahoo.com

چکیده :

امروزه حوزه دانش نوین حفاظت در حال گسترش است. از ارزش‌های تاریخی و زیبایی‌شناسی بناهای تاریخی فراتر رفته و به ارزش‌های دیگری چون ارزش‌های فرهنگی و میراث ناملموس پرداخته است. با این وجود همچنان وجوهی از آثار، مغفول و ناشناخته باقی مانده است. مفاهیم و معانی در مقابل کالبد اثر، مثل روح در برابر جسم، عظمت و پیچیدگی بیشتری دارد و به همان نسبت ناشناخته تر باقی مانده است. در صورتی که برای انسان دوره سنتی، یعنی انسان مولد این آثار، بعد محتوایی و معنوی و ماورائی آثار مد نظر قرار می گرفته است. اثر مادی و ملموس برای نشان دادن و بیان ارزش‌های غیر ملموس تولید می‌شده است. به همین دلیل ارزش‌ها و معانی پنهان در آثار بسیار گسترده تر و عمیق تر از ارزش‌های کالبدی و فیزیکی آن بوده است. به عبارتی، کالبد اثر برای انتقال معانی، باورها و مفاهیم ذهنی ساخته می‌شده است و همچنین به همین دلیل حفاظت می‌شده است. انسان دوره سنتی به عالم بر اساس معانی می‌پرداخت. بر خلاف انسان مدرن که عمدتاً توجهش جلب ظاهر و ماده اثر است. انحراف توجه از معنا به ماده در علوم مدرن نیز آشکار است. دانش جدید، به حفاظت از کالبد و پیکره فارغ از معنا و محتوا می‌پردازد. این مقاله بر آن است تا به اهمیت معنا در شناخت و حفاظت بپردازد. بدین منظور از نمونه موردی آب بهره گرفته شد. موضوع آب از این نظر انتخاب شد که در فرهنگ ما همواره اهمیت داشته است و به همین دلیل با معماری ایرانی هم ترکیب شده است. و به دلایل متعدد لازم است حفاظت شود. از این رو نمونه خوبی است تا با شناخت معانی و حفظ آن به حفاظت کالبد آن نیز پرداخته شود. شایان ذکر است نتایج این مقاله قابل تعمیم به آثار مصنوع انسان از جمله بناهای تاریخی، نیز هست. همچنین با درک عمیق تر معانی آب، علاوه بر حفاظت در شأن آن، می‌توان نحوه حضور آن در معماری و شهرسازی امروز را ارتقا بخشید.

واژه‌های کلیدی: حفاظت، معنا، آب، معماری

مقدمه:

مرمت و حفاظت، تاریخی به درازای تاریخ بشر دارد. از زمانی که انسان به ساخت اشیاء و مصنوعات پرداخت حفاظت، تعمیر و مرمت نیز آغاز شد؛ اما با آنچه ما امروزه از مرمت و حفاظت به عنوان دانشی نوین می‌شناسیم، تفاوت داشته است. دانش نوین حفاظت طی چند قرن اخیر و به دنبال تحول در نظام فکری انسان شکل گرفت. دانش مرمت که امروزه بیش از «مرمت» به «حفاظت» می‌پردازد، به موضوعاتی می‌پردازد که دارای ارزش است. هر آن چیزی که ارزش دارد و تکرار پذیر نیست.^۱

مرمت نوین که ابتدا بر آثار نقاشی، مجسمه و بناهای تاریخی تمرکز داشت، به تدریج آثار دیگری را واجد ارزش شناخت. با گذشت زمان موضوعات دیگری به عنوان موضوعات واجد ارزش معرفی شدند. از جمله بافت‌های تاریخی، باغ‌های تاریخی، منظرهای فرهنگی، سایت‌های باستان‌شناسی، آثار زیر آب، میراث صنعتی و... و بدین ترتیب محدوده آثار تحت حفاظت روز به روز گسترده تر شد. امروزه طیف موضوعات حفاظتی بسیار گسترده‌تر و متنوع‌تر است. از آثار هنری تا میراث صنعتی؛ از قطعات کوچک سفال و مفرغ تا بافت‌های شهری؛ از میراث باستان‌شناسی هزاره‌های پیشین تا آثار معاصر؛ و از آثار و بقایای ملموس تا میراث ناملموس.

دانش حفاظت عموماً به موضوعاتی می‌پردازد که در گذشته تولید شده‌اند. در گذشته به معانی و امور ماوراءی بیش از امور مادی توجه می‌شده است. هر اثر ساخته شده‌ای توسط انسان حاوی معانی و مفاهیمی است که از طریق ساخته شدن با مواد و مصالح مادی به منصفه ظهور می‌رسد. بنابراین برای حفاظت بهتر لازم است معانی پنهان در اثر و اندیشه‌ها و باورهای جاری در فرهنگ مولد اثر نیز شناخته شوند. شناخت معانی و مفاهیم، یعنی آنچه با حواس پنج گانه قابل ادراک نیست، نسبت به شناخت کالبد اثر کار بسیار دشواری است. و به همین میزان حفاظت از معانی نیز در مقایسه با حفاظت کالبدی با چالش بزرگ‌تری مواجه است. این نکته نیز قابل ذکر است که در دوره سنت نه فقط آثار مصنوع دست بشر با معنا و محتوای والا خلق می‌شدند؛ بلکه برای انسان سنتی، کل عالم ماده و حتی حروف و اعداد، دارای معنا و رمز بود.

به دلیل اینکه در علوم امروزی و با نگرش انسان مدرن، وجوه غیر کالبدی و معنایی تبیین نشده است، و نمی‌توان برای آن اعتبار قائل شد، حفاظت از آن نیز به فراموشی سپرده شده است. حفاظت از کالبد بدون توجه به معنا، نمی‌تواند حفاظت صحیح و جامعی باشد. زیرا حفاظت از جسم بدون توجه به روح ممکن نیست.

این مقاله بر آن است با تبیین اهمیت معنا در نظام تفکر سنتی، بر ضرورت حفاظت از آن تأکید کند. برای بیان بهتر از نمونه موردی استفاده شد. بدین منظور موضوع «آب» انتخاب شد. آب موضوعی است که در فرهنگ و معماری ما نقش بسزایی دارد و از طرفی با توجه به شرایط اقلیمی ایران و محدودیت منابع آبی لازم است در حفاظت از آب تأمل بیشتری داشته باشیم. شناخت، توجه و حفاظت از معانی آب می‌تواند در روش حفاظت از آب، حفاظت از ساختارهای مرتبط با آب همچون قنات، آب انبار، سنگاب، حوض و همچنین در طراحی معماری و شهرسازی معاصر، با تأکید بر حفاظت آب، تأثیر گذار باشد.

^۱ از جمله آثار ارزشمند و غیر قابل تکرار که امروزه مورد حفاظت است، می‌توان جنگل‌ها، منابع آب شیرین و به طور کلی محیط زیست را نام برد.

حفاظت در نظام سنتی:

در گذشته آثار علاوه بر کاربری و رفع نیاز با هدف انتقال معانی و باورها نیز ساخته می‌شدند. این دو هدف یعنی تأمین کارکرد و حفظ و انتقال معانی، در آن واحد مد نظر بود؛ به عبارتی تحقق این دو هدف در طول یکدیگر قرار داشت. چرا که در نگرش انسان سنتی عالم دارای مراتبی از ماده تا ذات پاک احدیت است. هر مرتبه در عین حال که تجلی عالم بالاتر است، خود حجابی است برای عالم پایین تر. در نگرش انسان سنتی عالم ماده به واسطه ارتباط با عالم معنا و تجلی آن است که وجود و معنا می‌یابد. این نگاه بر تمام رفتار انسان دوره سنت تأثیر داشته است. هر اثری که در دل این فرهنگ شکل می‌گرفته و ساخته می‌شده به دنبال بیان معانی بالاتر، توسط مواد و مصالح مادی بوده است. تا انسانی که در عالم ماده زندگی می‌کند، عالم معنا را فراموش نکند. اگر معمار سقفی می‌ساخت آن را آسمان تصور می‌کرد و از این رو آن را آسمانه می‌نامید. سقف را بلند می‌گرفت. با قطارهای مقرنس طبقات آسمان را متذکر می‌شد. عناصر تخت را به شکل ستاره و با آئینه می‌ساخت. یک آسمان انتزاعی و زیبا می‌ساخت؛ نه صرفاً عنصری سازه ای که انسان را در برابر عوامل جوی محافظت کند.

بدین سان در نظام سنتی هر اثری که ساخته می‌شده با هدف تعالی روح انسان و رای عالم ماده و یاد آوری کنندۀ عوامل بالاتر بوده است. طبیعی است در چنین نظام تفکری، حفاظت، هدفی متفاوت با حفاظت امروزی دارد. در چنین فرهنگی با حفاظت از جسم و کالبد اثر در حقیقت از معنا و حقیقت پنهان در بطن آن حفاظت می‌شده است.



این تفکر نه فقط در مورد اشیاء و آثار ساخته شده توسط انسان، بلکه برای کل عالم ماده که انسان در آن است صدق می‌کند. در گذشته و در باور سنتی هیچ امر مادی‌ای از معنا تهی نبوده است. چرا که هر امر معنایی و مرتبط با ماوراء برای تجلی در عالم مادی نیازمند صورتی است که محمل آن معنا در عالم ماده گردد. در باور سنتی، عالم وجود چه در اشکال لطیف و روحانی تر خود

مانند نور و چه در اشکال مادی تر و به تعبیر فلاسفه کثیف و جسمانی مانند سنگ و خاک حامل معنا و رمزی از عالم برترند. که این رمز و معنا ساخته و پرداخته ذهن بشری نیست و حکایت از رابطه ای درونی و حقیقی می‌کند که کشف آن نیازمند حکمت است.

حفاظت نوین:

در مرمت و حفاظت به شیوه نوین، شناخت انسان از موضوع و نتیجتاً نحوه حفاظت او، بر اساس ابعاد فیزیکی و کالبدی اثر صورت می‌گیرد و در نتیجه، در این نگرش توجه و تمرکز بر حفاظت از ارزش‌های کالبدی و میراث مادی ارزشمند است. شکل گیری موزه‌ها و حفاظت از پوسته و کالبد آثار مصداق بارز این اندیشه است. کریر با شرح ویژگی زنده بودن اثر و حفظ موجودیت آن می‌گوید: «موزه موجودیت شیء را که در آن قرار می‌دهیم حفظ نمی‌کند بلکه جسم فیزیکی را حفظ می‌کند که در ویتترین قرار می‌دهیم» [۱]

با قوت گرفتن حفاظت نوین و حفاظت از آثار ارزشمند فقط بر اساس شرایط فیزیکی آن و بدون توجه به روح و محتوای آن، احساس نیاز به حفاظت از بخش دیگری از ارزش‌ها پدید آمد که با حفاظت صرفاً کالبدی و فیزیکی

نمی‌توان آن‌ها را حفظ کرد. ارزش‌هایی که در ارتباط مستقیم با انسان‌ها و رفتار و فعالیت آن‌هاست. در نتیجه شاخه جدیدی شکل گرفت که به جریان حفاظت از میراث ناملموس معروف شد.

کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو با موضوع پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس، میراث ناملموس را چنین تعریف می‌کند: میراث فرهنگی ناملموس به معنای رسوم، بازنمایی‌ها، تجلیات، دانش‌ها، مهارت‌ها، و نیز ابزارها، اشیاء، دست‌ساخته‌ها، و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها است که جوامع، گروه‌ها، و در بعضی از موارد، افراد به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود پیوسته توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، تعامل با طبیعت و تاریخشان بازآفرینی می‌شود و حس هویت و تداوم را برایشان به ارمغان می‌آورد، و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌دهد.»

میراث فرهنگی ناملموس در زمینه‌های زیر متجلی می‌شود:

۱) آیین‌های شفاهی، شامل زبان به عنوان حامل میراث فرهنگی ناملموس (مثلاً: آوازها، لالایی‌ها، آواهای کار، مثل‌ها، شعرخوانی‌ها، و ...)

۲) هنرهای اجرایی (مثلاً: موسیقی، رقص، نمایش سنتی، خیمه‌شب‌بازی، نمایش عروسکی، نقاشی، خوش‌نویسی و ...)

۳) آیین‌های اجتماعی، مراسم، مناسک و فستیوال‌ها (مثلاً: جشن‌ها، بازی‌ها، مراسم آیینی، اعیاد و ...)

۴) دانش و کردارهای مربوط به طبیعت و جهان هستی (مثلاً: طب سنتی، معماری سنتی، نجوم سنتی، دانش‌ها و مهارت‌های سنتی بهره‌گیری از منابع انرژی، و ...)

۵) صنعت‌گری سنتی (مثلاً: مهارت‌ها و فنون در حوزه‌های سفال‌گری، کاشی‌کاری، صنایع چوب، نساجی، و ...).

بدین ترتیب میراث ناملموس که به فعالیت‌های بشری می‌پردازد، به عنوان موضوعی در خور توجه در حوزه حفاظت مطرح شد. و نقطه عطفی در دانش حفاظت شد. حفاظت، از کالبد فرسوده آثار و بناهای تاریخی و فضای ساکت و بی‌روح موزه‌ها، به موضوعات جذاب و زنده‌ای که بازیگر آن انسان‌های حال حاضر هستند کشیده شد. با وجود این، همچنان بخش عظیمی از محتوای آثار، ناشناخته و در نتیجه حفاظت از آن نیز مغفول مانده است. به عبارتی حفاظت از معانی چیزی ورای حفاظت از میراث غیر ملموس است.



این اتفاق از آنجا نشأت می‌گیرد که مرمت و حفاظت، دانشی نوین از جنس سایر علوم دوره مدرن و محصول نگرش جدید انسان به عالم است. با پیدایش دوران مدرن زندگی انسان در حیاتی سراسر مادی و کمی خلاصه گشت. سود جویی اقتصادی و تولیدات زیاد و همسان کارخانه‌ای، درک انسان از کیفیات را کم کرد. امروزه برای توصیف و یا خرید خانه، اعداد معرف آن خانه هستند. چند متر مساحت دارد؟ چند اتاق خواب دارد؟ قیمت هر متر مربع چقدر است؟ در

صورتی که خانه‌های قدیم با صفا بودند. روح داشتند. کیفیاتی داشتند که با اعداد و یا حتی کلمات قابل بیان نیستند.

در دنیای امروز معناها، رمزها، سمبل‌ها و امور غیر مادی جایی ندارند. این امر نه تنها در معماری که در حفاظت از آثار نیز تأثیر داشت. انسان امروزی به واسطه سلطه مدرنیته از درک معانی و کیفیات عاجز است.

انسان در مقام حفاظت گر:

ملاصدرا در فلسفه خود قاعده ای در باب انسان شناسی دارد که با آن حکمت متعالیه را با حکمت هنر پیوند داده است: خداوند انسان را چه از نظر ذات و چه از نظر صفات و اسماء و چه از نظر فعل و رفتار مثال خودش قرار داد. آری انسان مثال خداوند است، اما مثل او نیست. مثل هر چیز در عرض آن است اما مثال هر چیز، ظهور و تجلی و سایه آن است و در حقیقت مرتبه نازله او به شمار می آید. [۲]

پادشاهان مظهر شاهی حق عالمان (عارفان) مرآت آگاهی حق

علما و عرفا مظهر حق اند. قدرتمندان عالم مظهر قدرت حق اند. پادشاهان مظهر قیوم و قادرند. و هنرمندان مظهر صفت بدیع یا مبدع. هر موجودی مظهر یکی از صفات خداوند است. [۳] و فعل انسان نیز در جهت شبیه شدن به فعل الهی تعالی می یابد. همان گونه که در مقام خالقیت، آفریدن و ساختن را از احسن الخالقین می گیرد، در امر حفاظت نیز به تقلید از فعل الهی که خیر الحافظین است، وظیفه حفاظت را بر عهده دارد.

انسان موجودی است که سر در آسمان و پا بر زمین دارد. بدین لحاظ هیچ مخلوقی به مانند وی جامعیت میان ماده و معنا را ندارد. انسان سنتی، که عالم به مراتب عالم بوده، خود را جزئی جدایی ناپذیر از عالم هستی می داند و نه غالب بر آن. و لذا به خود اجازه تخریب نمی دهد. ^۲ عالم هستی در دستان انسان سنتی به مانند امانت است. برای وی نه فقط آثار تاریخی! که همه چیز، حتی خاک، معنا دارد، حرمت دارد و لازم است حفاظت شود.

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و نماینده خدا بر زمین حفاظت عالم را به عهده داشت و می دانست مسئولیت حفاظت از آب و هر آنچه در عالم ماده است به او سپرده شده. حفاظت از معنا در قالب حفاظت از کالبد. درست به مانند حفاظت از معنای قرآن در دل، در قالب حفظ کلام آن.

اهمیت آب:

آب نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در شکل گیری جوامع بشری و ظهور تمدن ها و فرهنگ های مختلف داشته است. آب شرط لازم برای زندگی است. دسترسی به منابع آب از دیرباز به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در مکان یابی شهری در ایران و سایر تمدن ها مورد توجه بوده است. به همین دلیل آب نمادی از حیات و زندگی محسوب می شود. با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران که بخش عمده آن به صورت بیابانی و نیمه بیابانی است، اهمیت آب و حفاظت و مدیریت آن دو چندان می شود.

آب، علاوه بر اهمیت آن به عنوان ماده حیاتی، همواره مورد احترام و توجه بوده و عنصری مقدس محسوب می شده است. از دیرباز در میان تمامی اقوام و ملت ها به خصوص ایرانیان، مورد توجه جدی بوده و در باورها، اسطوره ها، آیین ها و ادیان مختلف جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. آب طاهر و مطهر است و می تواند نزدیک کننده و عامل تقرب یافتن بندگان به مصدر لایزال الهی باشد. اکثر آئین های مذهبی، پیرامون چشمه ها متمرکز هستند مثل چشمه

^۲ در دوره جدید و به خصوص با شروع انقلاب صنعتی و سیطره اتومبیل و شهرسازی و معماری جدید، آثار گذشته، تاریخ مصرف گذشته تلقی شد و بی رویه تخریب شد. در چنین فضایی علم مرمت و حفاظت ظهور کرد. در حقیقت به دنبال موج بی رویه تخریب، تلاش برای حفاظت آغاز شد.

مشابه این جریان در مورد محیط زیست وجود دارد. انسان دوره مدرن به طبیعت که عطیه ای الهی و موجودی دارای روح و شعور بود بی رحمانه حمله برد. پس از آلوده شدن و تخریب سریع محیط زیست، صحبت از حفاظت از محیط زیست به میان آمد.

زمزم. [۴] آب از همان ابتدای تکوین جامعه ایرانی، مورد احترام بوده و چون مظهر پاکی و حیات بوده، عنصری مقدس محسوب می‌شده است. بر همین اساس، فرشته نگهبانی به نام «ناهید یا اناهیتا» را مسئول حمایت و نگهداری از آب می‌دانسته‌اند. [۵] به طوری که تا پیش از اسلام بناهایی مشخصاً برای نیایش آب ساخته می‌شدند و پس از اسلام نیز حضور نمادین آب در انواع گونه‌های معماری را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. رودخانه‌ها و چشمه‌ها و دریاچه‌ها دارای جایگاه آیینی و اعتقادی بودند. این جایگاه به خودی خود شکل نمی‌گرفت. ساخت و وجود بنای مکان‌ها بود که باورها و افسانه‌ها و آداب و رسومات را متجلی می‌ساخت. نیایشگاه‌های ایران در کنار چشمه‌های مقدس، مکان یابی امامزاده‌ها در جوار چشمه‌های طبیعی و مرکز محله‌هایی که با درخت و مظهر قنات شکل گرفته‌اند، سند حضور معنوی آب در فضای زندگی جامعه ایرانی است. [۶]

همچنین به مناسبت نیایش و بزرگداشت الهه آب جشن‌ها و مراسم گوناگونی بر پا می‌شدند که از آن جمله جشن آب پاشان، تیرگان، مراسم باران خواهی، عروسی قنات و برخی دیگر را می‌توان ذکر کرد. همچنین یکی از ماههای سال به نام آب، یعنی آب بان یا آبان، نامیده شده و جشن آبانگاه در روز دهم آبان ماه به مناسبت ستایش و نیایش الهه آب برگزار می‌گشته است. [۷]

در فرهنگ ایرانی اسلامی، پدیدآورنده و نازل کننده آب آشامیدنی خداست. اوست که با آب انسانها و حیوانات را سیراب می‌کند. خداوند بر انسانها به سبب نازل کردن آب آشامیدنی منت گذارده و وجود چشمه‌سارها را بر روی زمین از آیات الهی معرفی کرده است. چشمه‌های بهشتی را یکی از بهره‌های متقین در بهشت و جهنمیان را از آب آشامیدنی محروم توصیف کرده است، به طوری که از بهشتیان درخواست آب آشامیدنی می‌کنند. [۳]

سمبل آب:

آب عنصر نخستین که همه چیز از آن آفریده شده، سمبل تطهیر است. در بیشتر ادیان و آئین‌ها چه توحیدی چه غیر توحیدی، طهارت با آب انجام می‌شود. از آن جا که طهارت یعنی بازگشت به پاکی، آب، نماد نوزایی هم است. به عنوان مثال در طهارت آئینی مسلمانان در نماز یومیه با آب (نماد پاکی) وضو می‌کنند. برای مسلمان آب نماد زندگی نیز هست؛ آب حیات که در ظلمات مکشوف می‌شود و دوباره زنده می‌کند. در سوره کهف آمده است: آن ماهی که در ملتقای دو دریا پرتاب شده بود وقتی در آب غوطه خورد، دوباره زنده شد. (سوره کهف آیه ۶۱ و ۶۳) این نماد گرایی از مضمون عرفانی برخوردار است. مضمون غوطه خوردن در چشمه جاودانگی.

در آسیا آب، اصل حیات و عنصر تولد دوباره جسمانی و روحانی است؛ نماد خلوص، حکمت، برکت و فضیلت است. گرایش مایع به انحلال است و در انجماد به یکپارچگی می‌رسد؛ به سوی لجه جریان یابد، روبه پائین، یعنی گرایش آن به تمس خواهد بود و چنانچه افقی جاری شود گرایش آن به رجس خواهد بود. در تبت آب نماد بیعت است و عهدی که سالک می‌کند. در یهود و مسیح آب نماد اصل آفرینش است. مم (میم) عبری نشانه آب موثر است، نشانه مادر و زهدان است. آب سرچشمه زندگی و مرگ است. در باغهای بهشت چشمه‌ها و جویهای آب فراوان است. [۳]

آب پیش از اسلام:



معبد اناهیتای بيشاپور

سرزمین ایران پهنه ای آیینی است. پیش از ظهور اسلام، در ایران، نقش آب بیشتر نقش تجردی است. نیایش گاه‌ها و معابد و آتشکده‌ها در کنار آب و در نهایت احترام به وجود آب شکل گرفت. گویی آب گذرگاه انسان برای ورود به دنیای دیگر بود. آب

نقش معنوی خود را در معماری ایران نشان داد، به گونه ای که گردش آب نمایش تجردی آب در طبیعت است و تمام جوهر و خواص آب به صورت مجرد که ظاهراً جنبه نمایشی پیدا کرده و در نیایش آب منظور بوده است. در آن زمان، آب، آن قدر مقدس و معنا دار بوده است که آن را در قالبی خدا گونه ستایش می کردند و برای آن معبد می ساختند. [۸] برای نمونه، در دوره ایلامی در کورانیگان فارس جهت اجرای مراسم مذهبی، رو به روی مکان اجرای مراسم، آب نمایی جهت تطهیر احداث گشته بود. در چغازنبیل نیز حوضچه آب برای تطهیر وجود داشته است. در دوره هخامنشی نیز در خروجی کاخ خشایار شاه حوض بزرگی که احتمالاً باز هم کاربرد آیینی داشته است، وجود دارد. استخر بزرگ آب در دامنه کوه رحمت هم می تواند نشانه ای برای جنبه آیینی آب در دوره تاریخی خود باشد. آب نمای معبد بیشاپور نیز برای توجه به جنبه های معنایی آب و کاملاً نمادین است. [۹] آب را کد با سطح آینه ای نه تنها آسمان را منعکس می کند بلکه یاد آور عوالم بالاتر است.

این رسمها نشان از باورهایی دور و عمیق دارد. آن هنگامی که آناهیتا و مهر ایزدان آب و خورشید از ارزشی والا برخوردار بودند. مردم برای باروری درختان و دامهای خود نیازمند خورشید و آب بودند پس ستایش و احترام آنان می باسیت در قالب خدایان شکل بگیرد. [۶]

آب پس از اسلام:



توجه به جنبه های معنایی و نمادین آب در دوران پس از اسلام نیز ادامه داشت. آب، یکی از عناصر چهارگانه سازنده هستی است و در فرهنگ ما قداست دارد. از دیرباز به نقش آفرینندگی آب در نظام جهان توجه شده است. در روایات اسلامی نیز چنین بیان شده که خداوند پس از آفریدن لوح عرش و کرسی همه عالم را یکسره از آب آفرید. در روایتی منسوب به معصومین آمده است: إِنَّ الْمَاءَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ. آب اولین چیزی بود که خدا آفرید. احترام و تقدس آب تا حدی مهم بوده که آب را مهریه حضرت زهرا قرار داده اند.^۳

آب به عنوان برکت خداوندی است که حیات می بخشد، حیات را حفظ می کند و بشر و زمین را پاکیزه می گرداند. عرش خدا بر روی آب و بهشت به صورت باغهایی که نهلهایی زیر آنها جاری است تشریح می شود. به نظر می رسد که در قرآن آب با ارزش ترین آفریده خداوند بعد از انسان می باشد. برخی آیات قرآن در ارتباط با آب عبارت اند از:

- ✓ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (هود ۷) اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود
- ✓ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیا ۳۰) هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم.
- ✓ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا (فرقان ۵۴) و او است که از آب بشری آفرید.
- ✓ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (فرقان ۴۸) و از آسمان آبی پاک نازل کردیم.

^۳ بنا بر حدیثی از امام باقر معنی «آب مهریه زهرا (س) است»، عبارت از آب رودهایی است که خداوند متعال آنها را به عنوان مهریه در روی زمین برای آن حضرت قرار داده و چون که این چهار رود آبهای زیادی در ذخیره دارند، بدین لحاظ تعبیر به «آب مهریه زهرا (س) است» می کنند.

- ✓ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ (بقره ۲۲) و از آسمان آبی فرستاد و بدان آب برای روزی شما از زمین هر گونه ثمره ای برویانید.
- ✓ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (نحل ۶۵) و خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد پس با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخت.
- ✓ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (ق ۹) و از آسمان آبی پر برکت نازل کردیم و به وسیله آن باغها و دانههایی را که درو می کنند رویانیدیم. در این آیه شریفه آب به صفت مبارک توصیف گردیده و خداوند نزولات آسمانی را آب های مبارک نامیده است. کلمه مبارک یعنی برکت یافته و واژه برکت را چنین معنا می کنند: ثبوت الخیر. [۴]

حدیثی از امام صادق مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه باب دهم ذکر شده است: «چون اراده طهارت و وضو نمودی چنان به سوی آب روان شو که گویی به سوی رحمت خدای تعالی می روی که خداوند تعالی آب و طهارت را کلید قرب و مناجات خویش و نشانی برای راهنمایی مردم به سوی خوان خویش مقرر فرموده است و چنان که رحمت خداوند گناهان بندگان را پاک می کند نجاستهای ظاهر را جز با آب نمی توان پاک کرد. پس چنان که هر نعمت دنیوی را با آب، حیات بخشید به رحمت و فضل خویش حیات قلب باطنی و عبادات را نیز به وسیله آب (که همانا طهارت است) زندگی و کمال بخشید. در صفا، پاکی، شفافیت، فراوانی آن و امتزاج لطیفاش با هر چیز بیانیدیش... پس چون آب را گرمی داشته و آن را به کار گیری، به زودی چشمه های فواید بسیاری برایت جوشیده خواهد شد».

باورهای ایرانیان در مواجهه با آب جلوه های کاملی را تولید کرده است. آب به عنوان امر مقدس و مظهر خیر، در معماری ایران نقش مهمی دارد. قرار گیری حوض و آب نما در برابر سردر یا در میان حیاط بسیاری از بناهای ایرانی از مسجد و مدرسه گرفته تا خانه و کاروانسرا و یا مسیرهای آب طراحی شده در فضای شهری (مانند خیابان چهارباغ اصفهان) پدیده ای منحصر بفرد است. در حالی که سابقه معماری و شهرسازی اروپایی نشانی از حضور آب ندارد. [۱۰]

هنوز هم در بسیاری از باورهای عوام جنبه اساطیری آب آشکار است.

- ✓ کاسه آب بر سر سفره هفت سین.
- ✓ کاسه آب بر سر سفره عقد.
- ✓ ریختن آب روی سنگ قبر.
- ✓ ریختن آب پشت سر مسافر.
- ✓ وجود سنگاب در ورودی مساجد.
- ✓ توصیف بهشت با نهرهای آب.

آب و فرهنگ عاشورا:

در فرهنگ ایرانی و اسلامی، ساخت و وقف بناها و ساخناهای مرتبط با آب را می توان به وفور دید. که نشان از یک فرهنگ و فکر نیک دارد. فرهنگی که با باور مردم مسلمان شکل گرفته است. به نحوی که در کتیبه ها و یا وقف نامه های آب انبارها، قنات ها و سقاخانه ها، تجلی و یاد امام حسین و لب تشنه او و اشاره به صحرای کربلا و روز عاشورا را به وفور می توان مشاهده کرد. در حقیقت نوشیدن آب با یک بخش مهمی از باورها و اعتقادات مذهبی مسلمانان عجین شده است. و صرفاً برای رفع نیاز بدن به لحاظ بیولوژیک و سلامتی انجام نمی شود.

در فرهنگ ایرانی، آب بهترین چیزی است که می‌توان رایگان به کسی داد. زیرا این کار تشنگی امام حسین و یارانش را در میدان کربلا به یاد می‌آورد. [۱۱] و در مقابل خرید و فروش آب، و یا ایجاد ممانعت در نوشیدن آب، خوی یزیدیان را تداعی می‌کند و عملی بسیار ناپسند تلقی می‌شود.

به طور کلی ایجاد آب انبار و سقاخانه در مناطق خشک و کم آب، همیشه عملی در شمار «خریدن بهشت» شناخته می‌شود. و به طور کلی همه فعالیت‌هایی که به مساله آب مربوط می‌شود به نام ابوالفضل (ع) صورت می‌گیرد. و سقاخانه‌ها اغلب کتیبه‌هایی دارد که ابیاتی بر آن نوشته است با تذکری از شهادت آن حضرت یا طلب حاجتی از او.

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن
جان را فدای مرقد شاه شهید کن. [۱۲]

آب باران:

الکرچی می‌نویسد: گوارترین آب‌ها، آب برف و باران است. [۱۳] و در قرآن خداوند می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (فرقان ۴۸) و از آسمان آبی پاک نازل کردیم. در قرآن، آب متبرک که از آسمان فرود می‌آید علامتی الهی است و معنایی بیش از یک ماده طبیعی دارد. همچنین به دلیل اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی ایران، باران در سرزمین ما غنیمت است. به راحتی می‌توان تصور کرد از بارندگی در شهر لندن کسی خوشحال نخواهد شد. اما همین اتفاق در شهر یزد شرف و شادی همگانی را به دنبال دارد.

نزولات آسمان به صورت باران و برف و تگرگ رحمت الهی و از منابع اصلی تأمین آب محسوب می‌شود. علاوه بر نماز باران، در بسیاری از شهرها مراسم و آیین‌های باران خواهی به صورت سنتی وجود دارد. در گذشته برای بهره بهینه از آب باران، بیشتر آب انبارهای صحرایی، بیابانی و بین راهی از آب‌های سطحی و آب باران بهره می‌بردند. بدین گونه که سعی می‌شد با ساخت آن در مسیر آبراهه‌ها و مسیل‌ها، هدایت آب باران از بیابان به درون مخزن صورت گیرد.

حفاظت از آب از طریق سازه‌های مرتبط:

به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران، آب همواره ارزشمند و مورد توجه بوده است. و لذا سازه‌های آبی برای حفاظت و بهره برداری بهتر از منابع آبی ساخته می‌شدند. ساخت بناهای آبی با نیت عمل خیر و عام المنفعه صورت می‌گرفت. از برجسته‌ترین کارهای نیک، ساخت بناهای آبی مانند: پاکنه، یخدان، یخچال، چشمه، نهر، سنگاب، کاریز، جوی، آب انبار، چاه، برکه، سقاخانه و پایاب است. که در موارد بسیاری به صورت وقف ساخته می‌شد. تقریباً تمامی آب انبارها وقف بر همگان بوده است. برخی برای خوشنودی خداوند، جمعی برای آموزش خود و پدران، گروهی برای بخشایش گناهان و جمعی برای رفاه خلق که در نهایت خوشنودی خداوند هم در پی آن است، و گروهی به یادبود درگذشتگان خود اقدام به ساخت و وقف آب انبار می‌کردند. [۱۳]

ساخت سازه‌های مربوط به آب از جمله آب انبار در حفظ آب در اقلیم خشک و بیابانی بسیار تاثیرگذار بوده است. کتیبه‌های باقی مانده حاکی از آن است که حفاظت از آب تنها با هدف تأمین نیاز مردم یا حفاظت از یکی از عناصر محیط زیست نبوده است. بلکه هدفی والاتر در پس آن وجود داشته است. برای نمونه کتیبه کهن‌ترین آب انبار یزد چنین بیان می‌کند:

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در حق مسکینان دعایی

یا در کتیبه آب انبار باغ گندم آمده است:

به نذر امام رضا این بنا کرد که یابد خلاصی ز گرمای محشر
دللیلی چو خضر از تو تاریخ پرسد بگو روزی او بود آب کوثر

به عبارت دیگر، در این فرهنگ، افراد برای هدفی والا، سازه های معماری را می ساختند که با رعایت حرمت و معنای آب، از آن حفاظت کند.

حفاظت آب از طریق حفظ حرمت آب:

چنانچه گفته شد، به طرق مختلف و با اتخاذ تدابیر فنی گوناگون از آب حفاظت می شده است. با توجه به اهمیت معنای آب در فرهنگ ایرانی اسلامی، علاوه بر حفاظت کالبدی، از حرمت و معنای آب نیز حفاظت می شده است. و این گونه به طور غیر مستقیم کالبد آب را حفظ می کردند. در باور ایرانیان آب و درخت مقدس بودند. پس ایزدانی بر آن منسوب شدند تا مردم ضمن حفظ حرمت، در سلامتی و پاکیزگی آب و گیاه بکوشند. [۶] آب در قرآن اهمیتی عمیق دارد. خداوند در آیات متعدد انسان را به تفکر در آب و شکرگزاری این نعمت بزرگ یادآور شده است. (سوره واقعه: ۷۰-۶۸)

قرآن کریم دو عبارت صریح راجع به صرفه جویی آب و مدیریت تقاضا دارد: اول اینکه منابع آب ثابت (معین) است (و آن خدایی که از آسمان آبی به قدر و اندازه نازل می کند) و ثانیاً در مصرف آب نباید اسراف شود (از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد). در قرآن کریم: آب، رزق الهی است و باید از آن بجا و صحیح استفاده شود. [۴] همچنین این باور وجود دارد که آب مهریه حضرت زهرا (ع) است و نباید آن را آلوده کرد. در گذشته، برای شستن لباس، در آب روان لباس نمی شستند بلکه آب را از آب روان جدا می کردند و بعد از شستن لباس نیز، آب آلوده را بر آب پاک نمی ریختند؛ بلکه بر خاک می پاشیدند.

هرودوت می گوید: «ایرانیان در آب ادرار نمی کنند. آب دهان به آن نمی اندازند و در آب روان دست نمی شویند.» و استرابون جغرافی دان یونانی می نویسد: ایرانیان در آب جاری استحمام نمی کنند. و در آن لاشه و مردار و آنچه ناپاک است نمی اندازند. [۱۳]

نیایش آب در میان بختیاری ها، نماز باران و نیایش آب با توسل به حضرت زهرا در جزایز جنوب کشور در پیوند مستقیم با حرمت آب است. [۶]

قداست آب، حتی موجب شد مکانهایی مانند سقاخانه کم کم به مکانی مقدس تبدیل شود. مردم در نگهداری آن کوشا بودند و برای رفع گرفتاری های خود پولی در صندوقچه آن می انداختند و یا شمع نذر می کردند و برخی هم چراغ می افروختند. این نور هم نشانه توجه به تقدس آن بود و هم مایه روشنایی گذرگاهها در شب های تاریک. [۱۳]

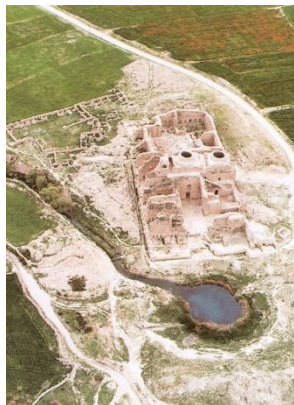
تغییر معنای آب در دوره جدید:

در گذشته، انسان در کنار آب و در دامن طبیعت بدون آنکه آن را مخدوش سازد، زندگی می کرد. انسان سنتی می دانست که آب مایه حیات و زندگی است و نه فقط حیات انسان؛ که سایر موجودات نیز وابسته به آب هستند. پس از آب به گونه ای بهره می برد که هیچ کجای عالم از تعادل خارج نمی شد. انسان سنتی آب



را در نهری می‌شناخت که خاک و گیاهان اطراف و حیوانات نیز از آن بهره می‌بردند. حال آنکه معنای آب برای انسان دوره جدید تغییر کرده است. انسان مدرن آب را در کانال بتونی غیر قابل نفوذ هدایت می‌کند و حیوانات و گیاهان را از آب محروم می‌کند.

علاوه بر اهمیت آب به عنوان مایع حیات بخش، در فرهنگ ما همواره معنا و مفهومی عمیق داشته است. در فرهنگ و باور انسان‌های این سرزمین آب معنایی فراتر از ترکیب دو عنصر اکسیژن و هیدروژن را دارد. و شاید به همین دلیل از گذشته‌های دور تا پیش از مدرن شدن و صنعتی شدن جامعه ایران، می‌بینیم آب همواره در معماری حضور و ظهور داشته است. به ویژه از آب به صورت مسطح و آینه ای در گونه‌های مختلف معماری ما استفاده شده است. به نحوی که جلوه‌های مختلف آن، علاوه بر تهییج و تحریک گرایش انسان به زیبایی، فراتر از آن به عنوان عنصری با ویژگی‌های والای معنوی و روحانی حضور و نمود یافته است. [۱۴]



در اکثر فضاهای معماری ایرانی از نقش سکوت آب بهره برداری می‌شود. حال آنکه در مواردی چون باغ‌ها، آب به صورت موج و با فوران فواره‌ها ظاهر می‌شود. ریزش قطراتی آب نمادی از صدای رحمت بی نهایت و بی منت پروردگار می‌شود. [۱۵]

در مسجد، مدرسه، خانه، کاروانسرا، حمام، باغ، معبد، مسجد و .. حوض مکمل معماری شده است. آب در معماری



ما به حدی اهمیت دارد که در اقلیم‌های گوناگون و حتی در خشک‌ترین مناطق ایران جزئی اصلی از معماری محسوب می‌شود. نگاه کردن به آب مسطح در حوض، با ذهن و خیال کار می‌کند. در آن واحد، کف سنگی و جسیم حوض، ماهی قرمز و زنده و متحرک، آب سیال و شفاف، تصویر معماری بنا به صورت سیال و خیالی بر سطح آب، و در نهایت تصویر آسمان، همه را می‌شود یکجا دید. یک حوض آب، ذهن را از جسیم ترین تا سیال ترین می‌برد؛ از پست ترین تا والاترین؛ از زمین تا آسمان؛ از ماده تا معنا. چیزی که ما امروزه در معماری جدید از درک آن محرومیم.



در دوره جدید معنا به فراموشی سپرده شد و طبیعتاً در زندگی و معماری جدید به شکلی دیگر آب درک می‌شود. زمانی که علوم امروزی آب را سیالی با فرمول H_2O معرفی می‌کند، علم مکانیک سیالات و تاسیسات ساختمانی نحوه حضور آب در معماری را تعیین

می‌کند! لوله‌هایی که آب را به آشپزخانه و سرویس بهداشتی هدایت می‌کنند و لوله‌هایی که آب آلوده را دفع می‌کنند. انسان دوره جدید با کنتور، حجم آب مصرفی را می‌سنجد در صورتی که برخلاف گذشته «قدر» آب را نمی‌فهمد. در این تعریف و به تبع آن در این نگرش به آب و در این نحوه استفاده از آب آنچه مغفول می‌ماند، معنای آب است. در چنین دورانی و با چنین ادراکی، مسلماً زمانی که از حفاظت سخن به میان آید، حفاظت کالبدی و مادی مد نظر قرار می‌گیرد.

حفاظت امری مختص به موزه نیست. بلکه می‌توان همانند گذشته، با طراحی و ساختن صحیح از مفهوم و معنا و سپس از کالبد حفاظت کرد. توجه به معانی و امور پنهان می‌تواند در طراحی‌های امروزی تأثیر گذار باشد. برای نمونه می‌توان دو پل بر روی رودخانه زاینده رود را مثال زد. پل خواجه و پل فلزی با دو کیفیت کاملاً متفاوت. پل خواجه افراد را به نشستن و تماشای پل و رودخانه، قدم زدن روی پل، نشستن روی سکوها، رفتن تا پای آب، لمس آب، عکس گرفتن، آواز خواندن و... دعوت می‌کند. در حالی که افراد چنین ارتباطی را با پل فلزی برقرار نمی‌کنند. در طراحی پل خواجه معمار آب را «می‌فهمد». در صورتی که در طراحی پل فلزی آب صرفاً به عنوان مانعی برای تردد اتومبیل تعریف می‌شود! دو طراحی متفاوت، از دو نوع نگاه متفاوت نشأت می‌گیرد.



جمع بندی :

بدون تردید نقش معماری در تداعی و انتقال مفاهیم جایگاه ویژه ای دارد که می‌بایست در حفاظت از آن نیز مد نظر قرار گیرد. امروزه مشکل حفاظت، عدم شناخت معنا و در نتیجه عجز از حفاظت آن است. تعریف و شکافتن آن به عنوان یک موضوع در خور توجه در حوزه حفاظت است. در این مقاله با بررسی نمونه موردی آب به اهمیت حفاظت از معنا پرداخته شد؛ اما به سایر موضوعات، چه طبیعی و چه آثار هنری یا معماری، نیز قابل تعمیم است. برای انسان سنتی همه چیز واجد معنا بود. اگر دست به ساخت اثر یا شیئی می‌زد، هدف، تبلور و به ظهور رساندن معنا و مفهومی بود که هنرمند با کشف و شهود ادراک کرده بود. در مرحله خلق و ساختن، آثار برای حمل معانی ذهنی و باورها ساخته می‌شدند. معانی و مفاهیم از طریق ماده بیان و از طریق حفاظت مادی و کالبدی حفظ می‌شد و به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌شد. به همین دلیل در گذشته نیز کالبد فیزیکی آثار ارزشمند به شمار می‌آمد و در نتیجه حفاظت می‌شد. ولی با هدف و دلیلی کاملاً متفاوت از امروز. حفاظت در گذشته، حفاظت از امور پنهان و باطنی و غیر مادی بوده است.

امروزه حفاظت نوین در حال افزایش ابعاد ارزشمند و واجد اهمیت برای حفاظت است. موضوعات حفاظتی نسبت به دهه‌های گذشته بسیار گسترده تر و متنوع تر شده‌اند. ولی با این حال هنوز بخش مهمی از ارزش آثار مغفول مانده است. همچنان کالبد آثار حفظ می‌شوند در حالی که توجه به محتوای معنایی نمی‌شود. با وجود معرفی میراث ناملموس، معنا هنوز ناشناخته باقی مانده است. حفاظت از معنا امری فرا تر از حفاظت میراث ناملموس است و لازم

است مد نظر قرار گیرد. توجه به معانی علاوه بر حفاظت از آثار، بر طراحی آثار یا معماری بناها نیز می تواند تاثیر گذار باشد.

منابع :

- [۱] کریر، دیوید. مرمت در جایگاه تفسیر یک اثر هنری: دیدگاه یک فیلسوف. ترجمه امیر حسین کریمی. فصلنامه تخصصی مرمت و پژوهش. سال دوم، شماره ۳. اصفهان. ۱۳۸۶.
- [۲] امامی جمعه، مهدی. رویکرد حکمت متعالیه به هنر اسلامی. مجموعه مقالات جستارهایی در چیستی هنر اسلامی. انتشارات متن. تهران. ۱۳۹۱.
- [۳] ابراهیمی دینانی، غلامحسین. رویکرد حکمت اشراق به هنر اسلامی. مجموعه مقالات جستارهایی در چیستی هنر اسلامی. انتشارات متن. تهران. ۱۳۹۱.
- [۴] مقاله آب در قرآن کریم <http://rasekhoon.net/article/show/185207>
- [۵] میر شکرایی، محمد. انسان و آب در ایران پژوهش مردم شناختی. تهران. ۱۳۸۰.
- [۶] جوادی، شهره. اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت. مجله باغ نظر. شماره ۸. ۱۳۸۶.
- [۷] صداقت کیش، جمشید. آب های مقدس ایران. شیراز. ۱۳۷۹.
- [۸] آل هاشمی، آیدا. معبد آب. نشریه منظر. شماره اول. ۵۸-۶۱. تهران. ۱۳۸۸.
- [۹] سرفراز، علی اکبر. ناگفته هایی از معبد اناهیتای بیشاپور. نشریه منظر. شماره اول. ۵۲-۵۵. تهران. ۱۳۸۸.
- [۱۰] منصوری، سید امیر. معماری آب. نشریه منظر. شماره اول. ۲-۳. تهران. ۱۳۸۸.
- [۱۱] ماسه، هانری. معتقدات و آداب ایرانی. ترجمه مهدی روشن ضمیر. تبریز. ۱۳۵۵.
- [۱۲] شاملو، احمد. کتاب کوچه. چاپ سوم. ج ۱. تهران. ۱۳۷۸.
- [۱۳] مسرت، حسین. پژوهشی در آب انبارهای شهر یزد. یزد. ۱۳۸۴.
- [۱۴] حقایق، مریم و شروین میر شاهزاده. درآمدی بر شناخت مشخصه های معنایی، زیبایی شناختی و کارکردی آب در معماری ایران. نامه معماری و شهرسازی. ۱۴۵-۱۶۱. ۱۳۹۱.
- [۱۵] اردلان، نادر و لاله بختیار. حس وحدت. نشر خاک. اصفهان. ۱۳۷۹.